

سیمای سوره لیل

این سوره بیست و یک آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره، برگرفته از آیه اول است که با سوگند به شب هنگام آغاز شده است. سوگند با تأکید به تفاوت تلاش‌ها و انگیزه‌های بشری آغاز و با بیان قانون مکافات عمل ادامه می‌یابد. قانونی که احسان به دیگران را اساس گشایش در کارها و بخل و بزرگی طلبی را عامل دشوار شدن امور انسان معرفی می‌کند. ادامه سوره به سنت عام هدایت الهی اشاره داشته و سرانجام آنان را که به انذار الهی توجه نمی‌کنند، آتش دوزخ و فرجام اهل تقوا را آزادی از آن بیان می‌کند. البته متقیانی که اهل زکات هستند و انگیزه‌ای جز رضای الهی ندارند، که خداوند نیز اسباب خشنودی آنان را فراهم می‌سازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿ ۲ ﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿ ۳ ﴾ وَمَا خَلَقَ
الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿ ۴ ﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى

(۱) به شب سوگند، آنگاه که (زمین را در پرده‌ی سیاه) فرو پوشاند. (۲) به روز سوگند، آنگاه که روشن شود. (۳) سوگند به آن کس که نر و ماده را آفرید. (۴) همانا تلاش‌های شما پراکنده است.

نکته‌ها:

- در حدیث می‌خوانیم: خداوند به هر چه از مخلوقاتش که بخواهد، حق دارد سوگند یاد کند ولی مردم باید تنها به خدا سوگند یاد نمایند.^(۱)
- «شقی» جمع «شتیت» به معنای متفرق است. سوگند، تنها برای تفاوت سعی‌ها نیست، زیرا که این تفاوت بر همه روش است، بلکه سوگند به خاطر نتایج و آثار متفاوت کارها است.
- سایه‌ی شب یک نعمت بزرگ است که در آن تعدیل حرارت، آسایش جسم، آرامش روح و نیایش‌های خالصانه انجام می‌گیرد.

پیام‌ها:

- ۱- زمان، امری مقدّس و قابل سوگند است. «والیل اذا یغشی»
- ۲- هم به نشانه‌های آفاقی توجه کنید، «والیل... والنهار» هم به نشانه‌های انفسی.

۱. تفسیر نورالثقلین.

﴿و ما خلق الذکر و الانثی﴾

۳- نظام زوجیت در حیوان و انسان، نشانه قدرت و حکمت خداوند است. ﴿ما

خلق الذکر و الانثی﴾

۴- تفاوت مهر یا قهر خداوند حکیمانه و عادلانه است نه گزاف، زیرا تلاشهای

شما انسانها گوناگون است. ﴿ان سيعکم لشتی﴾

﴿۵﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَ اتَّقَىٰ ﴿۶﴾ وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ

﴿۷﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿۸﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَىٰ ﴿۹﴾ وَ

كَدَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿۱۰﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿۱۱﴾ وَ مَا يُغْنِي

عَنهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ

(۵) اما آن که انفاق کرد و پروا داشت (۶) و پاداش نیک (روز جزا) را تصدیق کرد.

(۷) به زودی ما او را برای پیمودن بهترین راه آماده خواهیم کرد. (۸) ولی آنکه

بخل ورزید و خود را بی نیاز پنداشت. (۹) و پاداش نیک (روز جزا) را تکذیب نمود.

(۱۰) پس او را به پیمودن دشوارترین راه خواهیم انداخت. (۱۱) و چون هلاک شد،

دارایی‌اش برای او کارساز نخواهد بود.

نکته‌ها:

□ شاید مراد از عطای همراه با تقوا، این باشد که عطا با نیت خالص و بدون منت، آن هم از

مال حلال و در مسیر خدا باشد که تمام این امور در کلمه تقوا جمع است. ﴿اعطی واتقی﴾

□ اگر خداوند برای برخی راه خیر را باز می‌کند، ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ﴾ و برای برخی راه شر را

﴿فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ﴾ به خاطر تفاوت تلاش خود انسان‌ها است. ﴿انَّ سيعکم لشتی﴾

□ در خانه شخصی ثروتمند درختی بود که کودکان همسایه هنگامی که میوه آن درخت به

زمین می‌ریخت، آن را برگرفته و می‌خوردند ولی صاحب درخت، میوه را از دهان اطفال

می‌گرفت. پدر اطفال مسئله را به پیامبر اکرم ﷺ گزارش داد.

حضرت نزد صاحب خانه رفته و پیشنهاد کردند درخت را در برابر درختی در بهشت به من بفروش. آن مرد جواب رد به پیامبر داد و گفت: دنیای نقد را به آخرت نسبه نمی‌فروشم. پیامبر برگشت. یکی از یاران پرسید: آیا اگر من آن درخت را بگیرم و با من نیز چنین معامله‌ای می‌کنید؟ حضرت فرمود: آری. آن شخص توانست با بهایی چندین و چند برابر، درخت را خریداری کند و در اختیار پیامبر گذارد. آن حضرت به نزد آن خانواده فقیر آمده و درخت را به آنها بخشید. در این هنگام آیات این سوره نازل شد.^(۱) ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ﴾ و صدق بالحسنى... ﴿

□ هر کس گام اول سخاوت را بر اساس ایمان به معاد و تقوا بردارد، خدا ظرفیت و شرایط روحی او را برای کارها هموار می‌کند و روح او را با کار خیر مأنوس می‌گرداند، تجربه و تعقل و کاردانی او را بالا می‌برد، الهام و ابتکار به او می‌دهد، پذیرش مردمی و اجتماعی او را زیاد می‌کند و راه‌های جدیدی را برای کار خیر پیش پای او می‌گذارد که همه اینها مصداق ﴿فَسَنِيئِرَهُ لِّلْعُسْرَىٰ﴾ است.

□ نکته لطیف آن است که قرآن می‌فرماید: او را برای آسان‌ترین راه آماده می‌کنیم ﴿فَسَنِيئِرَهُ لِّلْيُسْرَىٰ﴾ و نفرمود: کار را برای او آسان می‌کنیم. «سنیئر له الیسری» و فرق است میان آنکه انسان روان باشد یا کارش روان باشد. انسان می‌تواند با توکل و دعا و اتصال به قدرت بی‌نهایت آسان‌داری چنان سکینه و سعه صدر شود که هر کاری را به راحتی بپذیرد و انجام هر کار خیر برای او آسان باشد.

□ در تاریخ کربلا می‌خوانیم که همین که زینب کبری بدن قطعه قطعه امام حسین علیه السلام را دید گفت: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ» پروردگارا این شهید در نزد عظمت تو کوچک است او را بپذیر! آری ایمان و تقوا انسان را در برابر هر حادثه بیمه کرده و کار روان و آسان می‌کند. ﴿فَسَنِيئِرَهُ لِّلْيُسْرَىٰ﴾

□ مراد از کلمه «یُسْرَى» و «عُسْرَى» که در قالب مؤنث آمده است، کارها یا راه‌های آسان و

مشکل است.

آنچه مهم است، اصل بخشش است، نوع و مقدار آن در مرحله بعد است. عطا گاهی کم است، گاهی زیاد، گاهی از مال است و گاهی از مقام و آبرو.

□ کلمه‌ی «حُسنی» یا مصدر است مثل رُجعی و یا مؤنث احسن است.

□ امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «و اما من اعطی و اتق و صدق بالحسنی فسنبیسه لیسری» فرمودند: «لا یرید شیئا من الخیر الا یرسه الله له» چیزی را اراده نمی‌کند مگر آنکه خداوند انجام آن را برای او آسان می‌کند.^(۱)

و در تفسیر آیه «و اما من بخل واستغنی و کذب بالحسنی فسنبیسه للعسری» فرمودند: «لا یرید شیئا من الشر الا یرسه الله له» درباره انجام دادن هیچ شری تصمیم نمی‌گیرد مگر آنکه خداوند انجام آن شر را برای او آسان کرده و مرتکب می‌شود.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- شیوه تبلیغ صحیح این است که بعد از کلیات، نمونه‌ها و مصادیق بیان شود.
«ان سعیکم لشیق فاما من اعطی»
- ۲- عطا همراه با تقواکار ساز است. «اعطی و اتق»
- ۳- عطا باید بدون ریا و غرور و منت و آزار باشد. «اعطی و اتق...»
- ۴- آنچه عطا می‌کنید مهم نیست، چگونه و با چه انگیزه و حالت عطا کردن مهم است. «اعطی و اتق»
- ۵- شرط پذیرفته شدن عطا، تقواست. «اعطی و اتق» (وگرنه عطای مال حرام یا با نیت غیر خالص اجری ندارد، زیرا «انما یتقبل الله من المتقین»^(۳))
- ۶- آخرت، بهتر از دنیا است. «الحسنی»
- ۷- کسی می‌تواند به عطای خود رنگ الهی داده و اهل پروا باشد که به معاد ایمان داشته باشد. «و صدق بالحسنی» (قرآن به وعده‌های قیامت حُسنی گفته است.

۱. کافی، ج ۴، ص ۴۶. ۲. کافی، ج ۴، ص ۴۷. ۳. مائده، ۲۷.

﴿كُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى﴾^(۱)

- ۸- ایمان به قیامت، شرط پذیرفته شدن عمل است. ﴿و صدق بالحسنى﴾
- ۹- بخل و مغرور شدن به مال، نشانه بی تقوایی است. ﴿من بخل واستغنى﴾
- ۱۰- گشایش یا گره خوردن کارهای انسان، نتیجه سخاوت یا بخل انسان نسبت به دیگران است. ﴿اعطى... للیسرى، بخل... للعسرى﴾
- ۱۱- نیکی، نیکی می آورد و شر، شر. ﴿اعطى واتق... فسئیسره للیسرى - بخل واستغنى... فسئیسره للعسرى﴾
- ۱۲- پاداش و کیفر الهی متناسب با رفتار انسانهاست، اگر گره از کار فقرا باز کنیم، خداوند گره از کار ما باز می کند. ﴿فسئیسره للیسرى﴾ و اگر فقرا را در عُسرت گزاریم، خداوند هم عُسرت را پیش پای ما می گذارد. ﴿فسئیسره للعسرى﴾
- ۱۳- اهل بخل بدانند که ثروت نجات دهنده نیست. ﴿و ما یغنى عنه ماله اذا تردى﴾
- ۱۴- نتیجه بخل سقوط است، سقوط از انسانیت و کمال و سقوط از چشم مردم همراه با سقوط در دوزخ و محروم شدن از درجات اخروی. ﴿اذا تردى﴾
- ۱۵- گاهی منشأ بخل امروز، به خاطر ترس از فقر در آینده است. ﴿بخل واستغنى﴾ (چنانکه در آیه ۲۶۷ و ۲۶۸ سوره بقره در کنار دستور انفاق می فرماید: این شیطان است که شما را از فقر آینده می ترساند. ﴿نفقوا... الشیطان یعدکم الفقر﴾)
- ۱۶- گاهی سرچشمه بخل، مغرور شدن به دنیا و احساس بی نیازی نسبت به وعده های بهشتی است. ﴿بخل واستغنى﴾

﴿۱۲﴾ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿۱۳﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿۱۴﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿۱۵﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿۱۶﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۷﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿۱۸﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ﴿۱۹﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ ﴿۲۰﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ﴿۲۱﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ

(۱۲) همانا هدایت (مردم) بر عهده ماست. (۱۳) و بی شک آخرت و دنیا از آن ماست. (۱۴) پس شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم دادم. (۱۵) (آتشی که) جز بدبخت‌ترین افراد در آن در نیاید. (۱۶) همان که (حق را) تکذیب کرد و روی بر تافت. (۱۷) ولی با تقواترین مردم از آن آتش دور داشته خواهد شد. (۱۸) همان که مال خود را می‌بخشد تا پاک شود. (۱۹) در حالی که برای احدی (از کسانی که به آنان مال می‌بخشد)، نعمت و منتهی که باید جزا داده شود، نزد او نیست. (۲۰) جز رضای پروردگار بلند مرتبه‌اش، نمی‌طلبد. (۲۱) و به زودی خشنود شود.

نکته‌ها:

- هدایت کردن از جانب خداوند، امری حتمی است، «إِنَّ عَلَيْنَا لِلْهُدَىٰ» ولی پذیرش آن از سوی مردم حتمی نیست. چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ»^(۱)
- «تَلَظَّىٰ»، شعله آتش بدون دود است که سوزندگی زیادتری دارد.
- خلود و جاودانگی در دوزخ مخصوص افراد شقی است. «لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى» در کلمه «صَلَّى» ملازمت و همراهی نهفته است. شاید «نَارًا تَلَظَّىٰ» که نوع خاصی از آتش است مخصوص افراد شقی باشد و سایر مجرمان به انواع دیگری از آتش گرفتار شوند.

□ آیه «و لسوف یرضی» را دو گونه می‌توان معنا کرد: یکی آنکه انسان با رسیدن به اهدافش از خدا راضی می‌شود، دیگر آنکه خداوند از او راضی می‌شود. البته در قرآن، هر دو مورد یعنی رضای خداوند از انسان و رضای انسان از خداوند، در کنار هم آمده است: «رضی الله عنهم و رضوا عنه»^(۱)، «ارجعی الی ربک راضیه مرضیه»^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- یکی از سنت‌های الهی که خداوند بر خود واجب کرده، هدایت مردم از طریق عقل و فطرت و پیامبران است. «انّ علینا للهدی»
- ۲- پذیرش هدایت، به نفع خود شماست، وگرنه خداوند بی‌نیاز است. «وانّ لنا للآخرة و الاولی»
- ۳- هشدار و انذار وسیله هدایت الهی است. «فانذرتکم» (هشدارهای الهی را باید جدی گرفت، زیرا از سوی کسی است که دنیا و آخرت به دست اوست)
- ۴- آتش آخرت، امری ناشناخته و عظیم است. «تاراً» به صورت نکره آمده است.
- ۵- شقاوت مثل تقوا دارای مراحل است. «الاشق... الاتقی» (کسی که آن همه نشانه‌های هدایت را نادیده بگیرد بدبخت‌ترین است «اشق، الذی کذب و تولی»)
- ۶- تقوا، همراه کمک به محرومان سپری است در برابر آتش دوزخ. «سیجنّنها الاتقی الذی یؤتی ماله»
- ۷- کمک به محرومان، شیوه دائمی پرهیزگاران است. «یؤتی»
- ۸- کمک از مال شخصی ارزش است. «ماله»
- ۹- نشانه تقوا، کمک‌های مالی خالصانه است. «الاتقی الذی یوقی ماله»
- ۱۰- کمک به فقرا، راهی است برای تزکیه و خودسازی. «یؤتی ماله یتزکی»
- ۱۱- کمک‌های مالی که براساس جبران خوبی‌های دیگران باشد، مایه رشد

۱. بینه، ۸.

۲. فجر، ۲۸.

- نیست. ﴿مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ﴾ (انفاقی ارزش بالایی دارد که انسان مدیون دیگران نباشد و چشم داشتی هم نداشته باشد)
- ۱۲- متقی، جز رضای خدا به دنبال چیز دیگری نیست. ﴿الْأَبْتِغَاءُ وَجْهَ رَبِّهِ الْأَعْلَى﴾
- ۱۳- قصد قربت، شرط لازم است. ﴿الْأَبْتِغَاءُ وَجْهَ رَبِّهِ﴾
- ۱۴- انفاق باید در راه‌های خداپسندانه باشد. ﴿يُؤْتِي مَالَهُ... ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ﴾
- ۱۵- او پروردگار اعلی است، پس فقط رضای او را جستجو کنید که پاداش اعلی مرحمت می‌کند. ﴿ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى﴾
- ۱۶- انسان مخلص، به مقام رضا می‌رسد و همواره از خداوند خشنود است. ﴿وَسَوْفَ يَرْضَى﴾

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»